

بررسی رابطه بین میزان محافظه کاری شرطی و اخبار منفی آینده در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر احمد خدای پور*
رحیمه مالکی نیا**

چکیده

در این پژوهش، رابطه بین میزان محافظه کاری شرطی اعمال شده و احتمال اخبار منفی آینده مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از روش‌های رگرسیونی لاجیت و حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. این پژوهش در دوره زمانی ۸ ساله، از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۸ و بر روی نمونه‌ای متشکل از ۶۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. بر اساس محافظه کاری شرطی؛ اخبار بد (زیان‌ها) علیرغم قابلیت تایید پایین، در دوره جاری شناسایی می‌شوند، اما شناسایی اخبار خوب (سودها) تا زمان احراز شرط قابلیت تایید لازم، یعنی تا دوره‌های آینده به تأخیر می‌افتد. از این رو انتظار می‌رود که شرکت‌های که میزان بالاتری از محافظه کاری شرطی را اعمال می‌کنند، به واسطه شناسایی به موقع اخبار بد؛ احتمال انتشار اخبار بد آینده در مورد آنها کاهش می‌یابد. لذا، به نظر می‌رسد که بین میزان

* دانشیار حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

نویسنده مسئول مقاله: احمد خدای پور (Email: khodamipour@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۱۱

محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و احتمال اخبار منفی آینده، رابطه منفی وجود داشته باشد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه منفی و معنادار بین محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و احتمال اخبار منفی آینده وجود دارد. همچنین، نتایج حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین محافظه‌کاری شرطی و واکنش بازار به اخبار خوب و بد شرکت‌ها است. علاوه بر این، وجود رابطه معنادار بین اندازه شرکت و درجه اهرم مالی آن با بازده غیرعادی شرکت مورد تایید قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری، محافظه‌کاری شرطی، اخبار خوب، اخبار بد.

مقدمه

تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، معیارهایی برای کیفیت اطلاعات در نظر گرفته‌اند که از جمله آنها، رعایت محافظه‌کاری است. محافظه‌کاری در معنای عام آن، ترجیح بدبینی بر خوش‌بینی در نگرش به رویدادها در شرایط ابهام است. در مفاهیم مالی، محافظه‌کاری را به دو نوع شرطی و غیرشرطی تفکیک نموده‌اند. محافظه‌کاری غیرشرطی، در زمان شناسایی و ثبت اولیه اعمال شده و سبب می‌شود که خالص دارایی‌ها به مبلغی کمتر از ارزش بازار آنها ثبت شود. اما محافظه‌کاری شرطی، در طول عمر خالص دارایی‌ها اعمال شده و سبب شناسایی به موقع زیان‌ها و شناسایی تأخیری سودها می‌شود. در این پژوهش، رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و اخبار منفی آتی بررسی شده است. در واقع هدف کلی تحقیق این است که آیا میزان بالاتر محافظه‌کاری شرطی، به واسطه الزامی نمودن شناسایی زود هنگام اخبار بد در مورد سود شرکت، منافی برای سهامداران و سایر استفاده‌کنندگان دارد یا خیر؟ برای بررسی این موضوع، دو سؤال به شرح زیر مطرح شده است:

۱- آیا بین میزان بالاتر محافظه‌کاری شرطی با احتمال پایینتر اخبار بد آینده، رابطه

معناداری وجود دارد؟

۲- آیا نوسان مقطعی در میزان محافظه کاری شرطی، واکنشهای بازار سهام به اعلانات اخبار خوب و بد در خصوص سود شرکتها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

مبانی نظری پژوهش

مفهوم محافظه کاری

محافظه کاری، تئوری و عمل حسابداری را برای قرن‌ها تحت تأثیر قرار داده است. باسو^۱ (۱۹۹۷) استدلال می‌کند: «ثبت‌های تاریخی از اوایل قرن پانزدهم نشان می‌دهد که حسابداری در اروپای قرون وسطی محافظه کارانه بوده است» (دیمیتروپولوس و استریو^۲، ۲۰۰۹).

محافظه کاری در حسابداری از میثاق‌های محدودکننده است و به معنای کمتر نشان دادن دارایی‌ها و درآمدها و بیشتر نشان دادن بدهی‌ها و هزینه‌ها در شرایط ابهام است. اتریدیس^۳ (۲۰۱۱) نوشته است: مدیران ممکن است به گونه‌ای فرصت طلبانه، انگیزه داشته باشند تا دارایی‌ها و سود را بیشتر و بدهی‌ها را کمتر بیان نمایند تا پاداش خود را افزایش داده و نمای مالی شرکت و چشم‌انداز مالی آینده آن را بهبود بخشند. محافظه کاری به کم‌نمایی داراییها و سود و خنثی نمودن رفتار فرصت طلبانه مدیران، متمایل است. به اعتقاد چن و دیگران^۴ (۲۰۰۹)، محافظه کاری نقش مهمی در فرایند گزارشگری مالی دارد و بر سایر اصول حسابداری شامل اصل بهای تمام شده تاریخی، غالب شده است. هم‌چنین، در جای دیگر آورده‌اند که محافظه کاری، یک رویه مفید و سازگار برای ارزش‌گذاری خالص دارایی‌ها و اندازه‌گیری سود تحت شرایط عدم اطمینان، فراهم می‌نماید.

در مفاهیم نظری گزارش‌گری مالی ایران، محافظه کاری به‌عنوان یکی از اجزای قابلیت اتکا و با عنوان «احتیاط» در نظر گرفته شده است. احتیاط، کاربرد درجه‌ای از مراقبت بوده که در اعمال قضاوت برای برآوردهای حسابداری در شرایط ابهام موردنیاز است، به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشوند (مهرانی و دیگران، ۱۳۸۹).

در ادبیات حسابداری، دو ویژگی مهم محافظه‌کاری مورد بررسی قرار گرفته است. نخست، وجود جانبداری در ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار آن که توسط فلسام و اوهلسون^۵ (۱۹۹۵) میلادی عنوان شده است و معرف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه‌ای است. دوم، تمایل به تسریع بخشیدن در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها که توسط باسو (۱۹۹۷) ارائه شده است و محافظه‌کاری از دیدگاه سود و زیانی است (کردستانی و امیریگی لنگرودی، ۱۳۸۷). بیور و رایان^۶ (۲۰۰۵) این دو نوع محافظه‌کاری را، محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی نامیدند.

محافظه‌کاری شرطی

امروزه محافظه‌کاری شرطی را با این تعریف باسو (۱۹۹۷) می‌شناسند: «محافظه‌کاری عبارت از تمایل حسابداران به الزام درجه بالاتری از تأییدپذیری برای اخبار خوب در مقابل اخبار بد است». واقعیت این است که اولین بار در سال ۱۹۲۴ بلیس^۷ محافظه‌کاری را این‌گونه تعریف نموده است: «هیچ سودی را پیش‌بینی نکنید؛ اما همه زیان‌ها را پیش‌بینی کنید». این تعریف بلیس از محافظه‌کاری، مبنای تعریف محافظه‌کاری شرطی حسابداری است. لیکن به نظر می‌رسد این تعریف بر مفهوم افراطی محافظه‌کاری شرطی دلالت دارد که شناسایی تمام زیان‌ها و عدم شناسایی هرگونه سودی است. در محافظه‌کاری شرطی افراطی، سودها تنها زمانی شناسایی می‌شوند که قابلیت تأییدپذیری صددرصد داشته باشند. محافظه‌کاری شرطی افراطی پسندیده نیست؛ دلیل آن هزینه‌ای است که از به‌موقع نبودن اطلاعات ناشی می‌شود. تأخیر در شناسایی سودها که اطلاعات مربوط به آنها قابلیت رسیدگی بالایی دارند، هم برای هدف تعیین پاداش برای مدیران و هم برای هدف تصویب سود نقدی برای سهامداران هزینه‌بر هستند. به کارگیری قاعده قابلیت رسیدگی، اجازه پرداخت پاداش را، به‌موقع‌تر از زمانی می‌دهد که محافظه‌کاری افراطی برای پرداخت پاداش تعیین می‌نماید (حساس‌یگانه و شهریاری،

۱۳۸۹). باسو (۱۹۹۷) برای ارائه تعریف متعادل از محافظه کاری شرطی، شرط قابلیت تأیید پذیری متفاوت برای اخبار خوب و بد را پیشنهاد و الزام نموده است.

تعریف باسو (۱۹۹۷) بر این دلالت دارد که اخبار بد یا همان زیان‌ها حتی با قابلیت تأیید کم نیز در دوره جاری شناسایی شوند و لذا سود دوره جاری با اخبار بد اقتصادی همبستگی بیشتری دارد؛ ولی اخبار خوب اقتصادی یا همان سودها تا دوره‌های بعد که قابلیت تأیید لازم را کسب نمایند، شناسایی نخواهند شد و لذا سود دوره‌های آینده با اخبار خوب همبستگی بیشتری دارد.

لارا و دیگران^۸ (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که محافظه کاری شرطی به عنوان ساز و کار حاکمیتی عمل می‌کند که برای هر دو گروه، اعتباردهندگان و سرمایه‌داران، مفید است و ارزش شرکت را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، لافوند و واتس^۹ (۲۰۰۸) استدلال کرده‌اند امید است که محافظه کاری شرطی «عدم تقارن اطلاعاتی کمتری بین مدیران و سرمایه‌گذاران برون سازمانی» داشته باشد و «گزارش‌های مالی محافظه کارانه، احتمالاً یک بازار سرمایه مطلع‌تر ایجاد می‌کند».

انگیزه اصلی برای محافظه کاری شرطی، خنثی کردن انگیزه مدیران برای ارائه اطلاعات حسابداری غلط و دارای جانبداری رو به بالا در مواقعی است که رویدادهای نامناسب اتفاق افتاده باشد. محافظه کاری شرطی را محافظه کاری پس‌رویدادی و محافظه کاری وابسته به اخبار نیز می‌نامند. کاربرد قاعده اقل بهای تمام شده و ارزش بازار در ارزشیابی موجودی‌ها، شناسایی کاهش‌های صورت گرفته در ارزش دارایی، حذف سرقفلی در پی انجام آزمون‌های کاهش ارزش و شناسایی نامتقارن زیان‌های احتمالی در مقابل سودهای احتمالی، مثال‌هایی از این نوع محافظه کاری هستند. برای اندازه‌گیری محافظه کاری شرطی، معیارهایی مانند معیار باسو، معیار اقلام تعهدی غیر عملیاتی انباشته، معیار چولگی توزیع سود و جریان‌های نقدی، معیار جریان‌های نقدی اقلام تعهدی و معیار تغییر سود عملیاتی پیشنهاد شده‌اند (کیم و پزرنر^{۱۰}، ۲۰۱۰).

رابطه بین محافظه‌کاری شرطی و اخبار منفی آینده

محافظه‌کاری شرطی با شناسایی به موقع اخبار بد و شناسایی تأخیری اخبار خوب شناخته می‌شود. براساس این نوع محافظه‌کاری، اخبار بد برخلاف قابلیت تأیید پایین در دوره جاری شناسایی می‌شوند؛ اما شناسایی اخبار خوب تا زمان احراز شرط قابلیت تأیید لازم (تا دوره‌های بعد) به تأخیر می‌افتد.

بر این اساس می‌توان عنوان کرد که شرکت‌های که محافظه‌کاری شرطی بیشتری اعمال می‌کنند، به واسطه شناسایی به موقع اغلب اخبار بد در دوره جاری، اخبار بد کمتری برای افشا شدن در دوره‌های بعد داشته باشند؛ لذا احتمال انتشار اخبار بد آینده در مورد آنها کاهش می‌یابد. بنابراین، به نظر می‌رسد که هرچه سطح اعمال محافظه‌کاری شرطی در شرکتی بالاتر باشد، احتمال انتشار اخبار بد در مورد آن شرکت کاهش می‌یابد، یعنی بین میزان محافظه‌کاری شرطی و احتمال اخبار منفی آینده رابطه‌ای منفی وجود دارد.

رابطه محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی

دو نوع محافظه‌کاری، تعداد زیادی اهداف مشابه دارند از جمله آنها حداقل کردن هزینه‌های حقوقی، مالیاتی یا قانونی و قادر ساختن قانون‌گذاران حسابداری و صنعتی به حداقل کردن بی‌ثباتی‌های اقتصادی می‌باشد (بیور و ریان، ۲۰۰۵). محافظه‌کاری غیرشرطی ممکن است به منظور به دست آوردن شرایط بهتر تأمین مالی، تأمین اهداف سودی یا پنهان نمودن اجزای ناسازگار در اعداد مالی شرکت و تصمیمات بد اقتصادی، مطلوب باشد. کانو - رودریگز^{۱۱} دریافته است که محافظه‌کاری غیرشرطی، در مورد شرکتهایی با اندازه بالا، اهرم بالا و رشد پایین و مخصوصاً شرکت‌هایی که دارای مضیقه مالی هستند و خطرهای حقوقی بالایی را تجربه کرده و سطوح اعتباری پایینی دارند (خوش نام نیستند)، وجود دارد (اتریدیس، ۲۰۱۱).

همچنین، در مقاله اتریدیس (۲۰۱۱) از قول باسو (۲۰۰۵) آمده است که تنها محافظه‌کاری شرطی است که می‌تواند کارایی قراردادها را بهبود بخشد؛ زیرا به افشای

اطلاعات حسابداری مربوط می‌شود که تأییدپذیری آنها سخت است. بنابراین، شرکتهایی که هزینه‌های قراردادی بالاتری دارند، در مورد به کارگیری محافظه‌کاری شرطی در فرایند گزارشگری مالی خود، برخلاف محافظه‌کاری غیرشرطی متمایل هستند. محافظه‌کاری شرطی رابطه‌ی ارزشی و سودمندی اطلاعاتی اعداد حسابداری گزارش شده را تقویت می‌کند و لذا محافظه‌کاری شرطی برای سهامداران، اعتباردهندگان و دیگر گروه‌گذاران مطلوب است؛ زیرا برای آنها تصویری واضح از نقاط ضعف و قوت شرکت فراهم نموده و به آنها در انجام قضاوت و انتخاب‌های سرمایه‌گذاری صحیح، کمک می‌نماید.

همانطور که از مباحث بالا برمی‌آید، انتظار نمی‌رود بین این دو شکل محافظه‌کاری رابطه‌ی مثبتی وجود داشته باشد و یا این دو بتوانند برای یکدیگر به عنوان جانشین یا مکمل عمل نمایند. اتریدیس (۲۰۱۱) بیان می‌کند که شکل شرطی محافظه‌کاری به طور منفی با شکل غیرشرطی آن همبستگی دارد؛ زیرا اولی، به بالا بردن کارایی قراردادهای منجر می‌شود، در حالی که بعدی، ممکن است فرصت‌طلبی مدیریتی را تسهیل نماید. محافظه‌کاری غیرشرطی، اخبار بد را مقدم داشته و ممکن است به روشی به کار گرفته شود که به اهداف مدیریتی شرکت قبل از وقوع رویداد برسد، و مانع از استفاده از محافظه‌کاری شرطی بعد از رویداد مثلاً بعد از تحقق یافتن پیش‌بینی اخبار بد می‌شود. این تجزیه و تحلیل با بیان بیور و رایان (۲۰۰۵) مطابقت دارد که محافظه‌کاری پیش‌رویدادی در دوره‌های قبلی، پیش‌انجام محافظه‌کاری پس‌رویدادی در دوره‌های بعدی است.

پیشینه پژوهش

چن، لین و استرانگ^{۱۲} (۲۰۰۹) دریافتند که محافظه‌کاری غیرشرطی، با کیفیت بالاتر اطلاعات حسابداری و هزینه‌های سرمایه‌پایین‌تر همبستگی دارد و محافظه‌کاری شرطی، با کیفیت پایین‌تر اطلاعات حسابداری و هزینه‌های سرمایه‌بالاتر همبسته است. کویسنیدیس، لوس و نگلیس^{۱۳} (۲۰۰۹) نشان دادند که بین گزارش‌گری محافظه‌کارانه و رابطه‌ی ارزشی

سود رابطه غیرخطی وجود دارد. به طور خاص، رابطه ارزشی با حرکت از شرکت‌های کمتر محافظه‌کار به سمت شرکت‌های با محافظه‌کاری متوسط، افزایش می‌یابد. اما با حرکت بیشتر به سمت شرکت‌های با محافظه‌کاری بالا، کاهش می‌یابد.

لارا، اوسما و پنالوا^{۱۴} (۲۰۱۱) در مقاله‌ای دریافتند که رابطه منفی معنی‌داری بین محافظه‌کاری شرطی و متوسط بازده سهام در طول دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۳ وجود دارد. همچنین رابطه منفی معنی‌داری بین محافظه‌کاری شرطی و هزینه سرمایه وجود دارد. اتریدیس (۲۰۱۱) نشان داد که شرکت‌هایی که افشاهای حسابداری با کیفیت بالا را عرضه می‌کنند؛ محافظه‌کاری شرطی بالاتر و محافظه‌کاری غیرشرطی کمتری را نشان می‌دهند؛ و همچنین اثبات کرد که شکل شرطی محافظه‌کاری به طور منفی با شکل غیرشرطی محافظه‌کاری، مرتبط است.

هاشمی، فرمند و شامیرزائی جشوقانی (۱۳۹۰) دریافتند که بین محافظه‌کاری شرطی و هزینه سرمایه سهام عادی، رابطه معکوس و معناداری هست. همچنین بین محافظه‌کاری شرطی و هزینه سرمایه پرتفوی سهام عادی، رابطه مثبتی وجود دارد. طبق پژوهش رحمانی، اثنی‌عشری و ولی‌زاده لاریجانی (۱۳۹۰) سود خالص شرکت‌های مورد بررسی محافظه‌کارانه بوده و این محافظه‌کاری از محتوای اطلاعاتی سود خالص می‌کاهد. همچنین به کارگیری محافظه‌کاری در تهیه اطلاعات حسابداری به کسب بازده بیشتر برای سرمایه‌گذاران منجر نمی‌شود. سدیدی، ثقفی و احمدی (۱۳۹۰) دریافتند که شاخص کیفیت سود معرفی شده بر مبنای شاخص محافظه‌کاری می‌تواند بخشی از تفاوت نرخ بازده دارایی‌های عملیاتی و نرخ بازده سهام جاری را با سال بعد بیان کند.

فرضیه‌های تحقیق

انتظار داریم شرکت‌هایی که محافظه‌کاری شرطی بالاتری اعمال می‌نمایند، اخبار بد کمتری برای افشا شدن در دوره‌های بعد داشته باشند و لذا احتمال انتشار اخبار بد در مورد آنها کم است؛ زیرا چنین شرکت‌هایی پیشاپیش، اخبار بد را شناسایی نموده و پنهانکاری

نکرده‌اند تا مجبور شوند که در دوره‌های آینده، اخبار بد بیشتری را افشا نمایند؛ در نتیجه گمان داریم که شرکتهایی که میزان محافظه‌کاری شرطی آنها بالاتر است، با احتمال کمتری سرمایه‌گذاران را با اخبار بد آینده شگفت‌زده کنند؛ زیرا اغلب اخبار بد گذشته و جاری به واسطه اعمال محافظه‌کاری شرطی، قبلاً شناسایی شده‌اند؛ لذا بنا به اذعان کیم و پزیر (۲۰۱۰) انتظار داریم که محافظه‌کاری شرطی با احتمال پایین‌تر اخبار بد آینده همبسته باشد. از این رو، فرضیه اول به شرح زیر مطرح شده است:

فرضیه اول: بین میزان بالاتر محافظه‌کاری شرطی و احتمال کمتر اخبار منفی آینده، رابطه معناداری وجود دارد.

شرکت‌های دارای محافظه‌کاری شرطی، بر شناسایی به‌موقع اخبار بد و شناسایی تأخیری اخبار خوب تأکید می‌نمایند. در هنگام وجود اخبار بد، قیمت سهام شرکت‌های محافظه‌کار نسبت به شرکت‌های غیرمحافظه‌کار، به ارزش ذاتی آنها نزدیک‌تر است. زیرا شرکت‌های محافظه‌کار، اخبار بد مربوط را شناسایی کرده‌اند؛ اما شرکت‌های غیرمحافظه‌کار، این اخبار را پنهان نموده و باعث فاصله گرفتن قیمت سهام از ارزش ذاتی آنها می‌شوند؛ بنابراین محتمل است که واکنش بازار به تناسب میزان محافظه‌کاری شرطی اعمال شده در صورت‌های مالی شرکت‌ها، متفاوت باشد. بنابراین فرضیه دوم به شرح زیر طرح گردیده است:

فرضیه دوم: برای شرکت‌های محافظه‌کارتر، واکنش بازار سهام به اخبار خوب (بد) در خصوص سود قوی‌تر (ضعیف‌تر) است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از لحاظ روش‌شناسی، در حیطه پژوهش‌های شبه‌تجربی و پس‌رویدادی است. داده‌های این پژوهش داده‌های ترکیبی (پانل دیتا) هستند. برای برآورد الگو با استفاده از داده‌های پانل، دو روش اثرات ثابت زمانی و اثرات تصادفی وجود دارد. برای انتخاب روش از آزمون هاسمن استفاده شد که طبق جدول شماره ۱ نتیجه این آزمون، استفاده از الگو اثرات ثابت را تأیید نمود.

جدول شماره ۱. نتایج آزمون هاسمن برای الگوی دوم

سطح معناداری	درجه آزادی آماره کایدو	آماره کایدو	خلاصه آزمون
۰/۹۳۶۳	۶	۱/۸۴۲۴۶۱	اثرات تصادفی مقطعی

در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است؛ به این ترتیب که برای آزمون فرضیه اول از الگوی لاجیت و برای آزمون فرضیه دوم از روش حداقل مربعات معمولی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در دوره زمانی ابتدای ۱۳۷۶ تا پایان ۱۳۸۸ در بورس مشغول فعالیت بوده‌اند؛ در واقع دوره زمانی این تحقیق از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ است؛ اما برای محاسبه شاخص محافظه‌کاری از داده‌های ۱۳۷۶ به بعد استفاده شده است. در این پژوهش روش نمونه‌گیری، حذفی بوده است؛ به این ترتیب که با توجه به محدودیت‌های زیر، بخشی از جامعه حذف و بقیه به عنوان نمونه انتخاب شدند:

- ۱) سال مالی منتهی به پایان اسفندماه و در طول دوره تغییر نکرده باشد.
 - ۲) جزء شرکت‌های تامین مالی و بانک‌ها نباشند.
 - ۳) داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرها و آزمون فرضیه‌ها را دارا باشند.
- انجام فرایند فوق به انتخاب ۶۰ شرکت در قالب ۴۸۰ مشاهده سال- شرکت منجر گردید.

روش تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: در فرضیه اول، رابطه بین میزان اعمال محافظه‌کاری شرطی و احتمال اخبار منفی آینده مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون این فرضیه از کاهش سود به عنوان نماینده اخبار آینده استفاده شده است. برای الگوسازی احتمال کاهش سود و آزمون فرضیه اول، از الگوی رگرسیونی زیر استفاده شده که توسط کیم و پزیر (۲۰۱۰) ارائه شده است:

$$\text{Prob (Earn Decr}_{i,t+1} = 1) = \gamma_0 + \gamma_1 \text{CONS}_{i,t} + \gamma_2 \text{EDF}_{i,t} + \gamma_3 \text{ROA}_{i,t} + \gamma_4 \Delta \text{EARN}_{i,t} + \gamma_5 \text{Stdret}_{i,t} + \gamma_6 \text{MVE}_{i,t} + \gamma_7 \text{MTB}_{i,t} + \gamma_8 \text{LEV}_{i,t} + \gamma_9 \Delta \text{TA}_{i,t+1} + e_t \quad (1)$$

در این الگو، $\text{Earn Decr}_{i,t+1}$ متغیر مجازی کاهش سود است. اگر سود در سال $t+1$ در مقایسه با سال t کاهش یافته باشد؛ این متغیر مساوی با ۱ و در غیراین صورت مساوی صفر می‌باشد. (در این الگو محافظه کاری شرطی اعمال شده، متغیر مستقل و بقیه متغیرها کنترلی هستند). $\text{CONS}_{i,t}$ میزان محافظه کاری شرطی اعمال شده شرکت i در سال t است. در این تحقیق، برای محاسبه میزان محافظه کاری شرطی اعمال شده از معیار قرینه اقلام تعهدی گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده شده است. بر اساس این الگو جمع اقلام تعهدی، اقلام تعهدی عملیاتی و اقلام تعهدی غیرعملیاتی به شرح ذیل است:

$$\text{ACC}_{i,t} = (\text{NI}_{i,t} + \text{DEP}_{i,t}) - \text{CFO}_{i,t} \quad (2)$$

که Acc ، کل اقلام تعهدی؛ NI ، سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه؛ DEP ، هزینه استهلاک؛ و CFO ، جریان نقدی عملیاتی است.

$$\text{OACC}_{i,t} = (\Delta \text{AR}_{i,t} + \Delta \text{I}_{i,t} + \Delta \text{PE}_{i,t}) - (\Delta \text{AP}_{i,t} + \Delta \text{TP}_{i,t}) \quad (3)$$

OACC ، اقلام تعهدی عملیاتی؛ ΔAR ، تغییر در حساب‌های دریافتی؛ ΔI ، تغییر در موجودی کالا؛ ΔPE ، تغییر در پیش پرداخت‌ها؛ ΔAP ، تغییر در حساب‌های پرداختی و ΔTP ، تغییر در مالیات‌های پرداختی است. بنابراین، اقلام تعهدی غیرعملیاتی، تفاوت بین کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی عملیاتی یعنی تفاضل دو معادله فوق است:

$$\text{NOACC}_{i,t} = \text{ACC}_{i,t} - \text{OACC}_{i,t} \quad (4)$$

در این معادله، NOACC ، اقلام تعهدی غیرعملیاتی است. اقلام تعهدی غیرعملیاتی برای ۵ سال انباشته شده و آنگاه قرینه این اقلام به عنوان معیار محافظه کاری شرطی استفاده

شده است. $EDF_{i,t}$ شاخص ورشکستگی است و با استفاده از شاخص ورشکستگی محاسبه شده که توسط پور حیدری و کوپایی حاجی (۱۳۸۹) ارائه شده است. این شاخص به صورت زیر است:

$$P = 3.20784 K_1 + 1.80384 K_2 + 1.61363 K_3 + 0.50094 K_4 + 0.16903 K_5 + 0.39709 K_6 + 0.12505 K_7 + 0.33849 K_8 + 1.42363 K_9 \quad (5)$$

در این الگو، K_1 نسبت سود قبل از بهره و مالیات به مجموع دارایی‌ها؛ K_2 ، نسبت سود انباشته به مجموع دارایی‌ها؛ K_3 ، نسبت سرمایه در گردش به مجموع دارایی‌ها؛ K_4 نسبت حقوق صاحبان سهام به مجموع بدهی‌ها؛ K_5 ، نسبت سود قبل از بهره و مالیات به فروش؛ K_6 ، نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری؛ K_7 ، نسبت سود خالص به فروش؛ K_8 ، نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها و K_9 ، اندازه شرکت است. نقطه تمیز^{۱۵} در این الگو، $15/8907$ است. اگر $P < 15.8907$ باشد، در این صورت، شرکت دارای بحران مالی است؛ و اگر $P \geq 15.8907$ باشد، شرکت فاقد بحران مالی است. این متغیر برای کنترل مضمیقه مالی در الگو قرار گرفته است که به کاهش سود منجر می‌شود.

سایر متغیرهای کنترلی شامل موارد زیر هستند: $ROA_{i,t}$ ، بازده دارایی‌های شرکت و از طریق تقسیم سود خالص بر جمع دارایی‌های اول دوره محاسبه شده است؛ $\Delta EARN_{i,t}$ ، میزان تغییر سود و برابر تفاوت سود در سال t و $t-1$ است؛ $Stdret_{i,t}$ ، انحراف معیار بازده‌های سهام است؛ $MVE_{i,t}$ ، اندازه شرکت و همان لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت است؛ $MTB_{i,t}$ ، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی‌ها است؛ $LEV_{i,t}$ ، درجه اهرم مالی و برابر تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها است و $\Delta TA_{i,t+1}$ ، تغییر اقلام تعهدی سال آینده است. اقلام تعهدی از تفاوت سود و جریان‌های نقدی به دست آمده است.

این فرضیه در صورتی تأیید می‌گردد که ضریب رگرسیونی محاسبه شده برای متغیر محافظه‌کاری شرطی اعمال شده (γ_1) منفی و معنادار باشد.

فرضیه دوم: در فرضیه دوم، رابطه بین واکنش بازار به اخبار خوب و بد در مورد سود شرکت‌ها با میزان محافظه‌کاری شرطی آنها مورد آزمون قرار گرفته است. برای اندازه‌گیری واکنش بازار از بازده غیرعادی ۵ روزه انباشته شده (۵ روز قبل و ۵ روز بعد از تاریخ اعلان سود خالص) استفاده شده است. برای آزمون این فرضیه از الگوی زیر استفاده شده است:

$$AR(-5,5) = \beta_0 + \beta_1 \times SURP_{i,t} + \beta_2 \times CONS_{i,t-1} + \beta_3 \times CONS_{i,t-1} \times SURP_{i,t} + \beta_4 \times BAD_NEWS_{i,t} + \beta_5 \times CONS_{i,t-1} \times SURP_{i,t} \times BAD_NEWS_{i,t} + \beta_6 \times CONS_{i,t-1} \times BAD_NEWS_{i,t} + \beta_7 \times MVE_{i,t} + \beta_8 \times LEV_{i,t} + e_{i,t} \quad (۶)$$

در این الگو، $AR_{(-5,5)}$ بازده غیرعادی انباشته شده ۵ روزه حول اعلان سود (تاریخ صورت‌های مالی) برای هر سال-شرکت است که برابر تفاوت بازده واقعی و بازده مورد انتظار و سپس با استفاده از فرمول شماره ۷ انباشته شده است:

$$AR = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n (1 + e_i)$$

در این رابطه، e_i بازده غیرعادی روزانه و AR بازده غیرعادی انباشته است. $SURP_{i,t}$ خطای پیش‌بینی سود شرکت i در سال t است که برابر است با:

$$SURP_{i,t} = \frac{ACTUAL\ EARN_{it} - FORECAST\ EARN_{it}}{FORECAST\ EARN_{it}}$$

در این رابطه، $ACTUAL\ EARN_{it}$ سود واقعی شرکت در سال t و $FORECAST\ EARN_{it}$ سود پیش‌بینی شده شرکت است. $CONS_{i,t-1}$ معیار محافظه‌کاری شرطی سال قبل شرکت i در سال t که با استفاده از همان معیار قبل به دست آمده است و نهایتاً $BAD_NEWS_{i,t}$ متغیری مجازی است؛ این متغیر مساوی ۱ است اگر $SURP$ منفی باشد و در غیر اینصورت مساوی صفر می‌باشد. این فرضیه در صورتی تأیید می‌گردد که ضریب متغیر $SURP_{i,t} \times CONS_{i,t-1}$ یعنی β_3 مثبت و معنادار و همچنین ضریب متغیر $BAD_NEWS_{i,t} \times SURP_{i,t} \times CONS_{i,t-1}$ یعنی β_5 منفی و معنادار باشد.

جدول شماره (۲). نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
Earn Decr	۰/۵۸۲۴۶۳	۱	۱	۰	۰/۴۹۳۶۶۸
CONS	-۰/۰۱۱۵۲۳	-۰/۰۲۴۲۷۶	۳/۲۹۸۱۴	-۴/۶۷۰۲۲۵	۰/۵۷۸۴۸۷
EDF	۱۹/۹۵۶۸۸	۱۹/۶۶۱۲۴	۲۷/۴۲۲۶۶	۱۳/۸۴۸۵۲	۲/۵۸۹۹۶۳
ROA	۰/۵۳۹۷۱۵	۰/۳۸۱۰۸۲	۳/۱۵۷۷۷۴	-۲/۰۴۲۴۹۵	۰/۵۲۸۸۸۹
Δ Earn	-۰/۰۱۲۰۸	-۰/۰۱۲۱۶۸	۰/۲۸۱۲۰۶	-۰/۳۵۳۶۷۸	۰/۰۶۶۲۴۵
StdRet	۶۳/۲۱۰۴۹	۵۶/۰۲۱۴۳	۱۵۰/۹۵۷۷	۲۰/۴۲۱۱۰	۳۳/۴۹۴۹۱
MVE	۱۲/۶۷۳۹۵	۱۲/۴۹۸۵۹	۱۶/۹۹۹۴۵	۹/۴۷۹۶۰۴	۱/۴۶۸۸۵۴
MTB	۳/۷۴۵۵۷۷	۱/۹۷۷۴۲۴	۴۲/۰۵۱۴۹	۰/۳۰۹۶۷۲	۵/۷۸۵۵۰۷
LEV	۰/۶۴۴۶۳	۰/۶۴۹۸۵۱	۰/۹۲۷۸۴۴	۰/۱۶۸۸۶۹	۰/۱۴۳۶۹۴
Δ TA	۰/۰۱۸۳۱	۰/۰۰۱۹۵۷	۰/۶۱۳۴۲۱	-۰/۳۵۰۹۹۹	۰/۱۳۳۴۵۷
$RA_{(-5,5)}$	۰/۵۴۵۰۲۷	۱	۷۵/۵۶	-۶۷/۶۰۲	۷/۵۴۲۴۰۴
SURP	-۰/۰۲۵۱۷۲	۰	۴/۵۸۴۴۷۹	-۹/۰۸۴۰۲۹	۰/۶۰۶۹۴۴
$CONS_{t-1}$	۰/۰۱۳۷۹۶	-۰/۰۱۶۸۵۴	۳/۷۹۰۱۹۷	-۳/۷۰۱۹۶۲	۰/۵۳۸۵۷۶
$CONS \times SURP$	۰/۰۸۱۲۴	۰/۰۰۴۸۰۹	۱۰/۳۵۸۹۲	-۰/۰۲۲۱۵۸	۰/۵۲۶۷۹۹
BAD-NEWS	۰/۴۰۹۱۸۹	۰	۱	۰	۰/۴۹۲۱۹۸
$CONS \times SURP \times BAD - NEWS$	۰/۰۴۵۷۲۶	۰	۱۰/۳۵۸۹۲	۰	۰/۴۸۵۱۵۹
$CONS \times BAD-NEWS$	-۱/۱۱۰۷۵	۰	۰	-۳/۷۰۱۹۶۲	۰/۲۸۸۱۰۱

یافته‌های پژوهش آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در جدول شماره (۲) آورده شده است. میانگین متغیر وابسته الگوی اول یعنی کاهش سود، برابر با ۰/۵۸۲۴۶۳ است که اندکی از ۰/۵ بزرگتر است که نشان می‌دهد تعداد شرکت‌هایی که کاهش سود را تجربه نموده‌اند بیشتر از تعداد شرکت‌هایی است که افزایش سود را تجربه نموده‌اند. میانگین متغیر مستقل الگوی اول

یعنی محافظه کاری شرطی اعمال شده، برابر با $0/011523$ - است که تقریباً برابر صفر است و نشان می‌دهد تعداد شرکت‌های دارای رویه‌ی محافظه کارانه‌تر با تعداد شرکت‌های دارای رویه غیرمحافظه کارانه تقریباً برابر است. متغیر وابسته الگوی دوم، بازده غیرعادی است. میانگین این متغیر $0/545027$ است و نشان می‌دهد که متوسط بازده غیرعادی شرکتها $0/54$ است. لذا، می‌توان گفت که بیشتر شرکت‌ها بازده غیرعادی مثبت دارند. متغیر مستقل محافظه کاری شرطی، دارای میانگین $0/013796$ است. به نظر می‌رسد که شرکت‌ها در سال‌های گذشته محافظه کارتر بوده‌اند.

جدول شماره (۳). نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

متغیر	علامت موردانتظار	ضریب	آماره Z	سطح معناداری
CONS	-	-۳۵۶/۲۱۲۶	-۳/۲۵۴۸۲۲	۰/۰۰۱۱
EDF	±	-۲/۳۸۶۱۹	-۳/۳۶۴۷۳۵	۰/۰۰۰۸
ROA	±	۳/۵۴۲۷۹۶	۲/۶۳۷۹۲۸	۰/۰۰۸۳
ΔEarn	±	۳/۵۳۷۵۴	۰/۵۳۶۰۴۳	۰/۵۹۱۹
StdRet	+	۰/۰۲۴۶۶۳	۱/۷۷۴۶	۰/۰۷۶
MVE	-	۳/۵۰۰۸۹۴	۳/۳۵۷۹۰۳	۰/۰۰۰۸
MTB	-	-۰/۰۴۲۵۷۲	-۱/۰۸۵۶۹	۰/۲۷۷۶
LEV	-	-۳/۴۱۳۹۲۱	-۰/۹۲۰۳۰۴	۰/۳۵۷۴
ΔTA	±	-۰/۸۱۷۷۹۷	-۰/۲۷۴۸۰۹	۰/۷۸۳۵
مقدار ثابت		۲/۴۳۵۰۷۹	۰/۵۷۵۱۷۱	۰/۵۶۵۲
	McFadden R-Squared	۰/۹۶۶۹۴		
	LR statistic	۶۲۹/۴۲۵۵	سطح معناداری	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول در جدول شماره (۳) ارائه شده است. لازم به ذکر است که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری (MTB) در این الگو، به‌عنوان کنترلی برای محافظه کاری غیرشرطی محسوب می‌شود. ضریب رگرسیونی برآورد شده متغیر محافظه کاری شرطی (CONS) منفی و در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشد. این نتیجه با

ادبیات تحقیق مطابقت دارد؛ زیرا همانطور که قبلاً بیان شد، اعمال محافظه‌کاری شرطی باعث می‌شود تا اخبار بد شرکت به شیوه‌ای به‌هنگام شناسایی شوند و از انتشار ناگهانی آنها پیشگیری می‌شود. بنابراین، انتظار داریم شرکت‌هایی که محافظه‌کاری شرطی بالاتری اعمال می‌نمایند، اخبار بد کمتری برای افشا شدن در دوره‌های آتی داشته باشند و لذا احتمال انتشار اخبار بد در مورد آنها کاهش می‌یابد؛ بنابراین فرضیه اول مورد تایید قرار گرفته است. این نتیجه با نتیجه به دست آمده توسط کیم و پزنر (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

سایر نتایج حاکی از وجود رابطه معناداری بین شاخص ورشکستگی (EDF)، بازده دارایی‌ها (ROA)، انحراف معیار بازده‌ها (StdRet) و اندازه شرکت (MVE) با متغیر وابسته است، که به ترتیب در سطوح ۱٪، ۱٪، ۱۰٪ و ۱٪ معنادار هستند؛ اما برای سایر متغیرهای کنترلی رابطه معناداری یافت نشد. برای این الگو، ضریب تعیین برابر با ۰/۹۶۶۹۴ است. R^2 مک فادن شبیه R^2 گزارش شده در سایر الگوهای رگرسیون، خطی است و نشان دهنده این است که حدود ۹۶ درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. آماره LR، و شبیه آماره F است و چون در این الگو سطح معناداری آن حدود صفر است، می‌توان گفت که الگو در سطح خطای ۱ درصد معنادار است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم در جدول شماره (۴) ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، شرایط لازم برای پذیرش این فرضیه (مثبت و معنادار بودن ضریب β_3 و منفی و معنادار بودن ضریب β_5) وجود ندارد؛ در نتیجه فرضیه دوم تحقیق رد شد؛ بنابراین می‌توان استدلال نمود که بین محافظه‌کاری شرطی اعمال شده و خطای پیش‌بینی سود با بازده غیرعادی رابطه‌ی خطی معناداری وجود ندارد. این نتیجه با نتیجه به دست آمده توسط کیم و پزنر (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

جدول شماره (۴). نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

متغیر	علامت موردانتظار	ضریب	آماره t	سطح معناداری
SURP	-	-۰/۳۲۰۶۵۱	-۰/۳۱۸۳۲۴	۰/۷۵۰۴
CONS _{t-1}	-	-۰/۶۳۷۷۱۱	-۰/۵۸۱۲۹۹	۰/۵۶۱۳
BAD-NEWS	-	-۲/۷۹۳۶۶۹	-۳/۱۷۴۴۶۶	۰/۰۰۱۶
CONS × SURP	+	۰/۷۶۱۲۹۱	۰/۳۳۳۶۵۸	۰/۷۳۸۸
CONS × SURP × BAD - NEWS	-	-۱/۱۰۷۹۶۹	-۰/۳۸۳۱۱	۰/۷۰۱۸
CONS × BAD-NEWS	+	۰/۳۳۰۶۹۴	۰/۱۸۱۶۶۱	۰/۸۵۵۹
MVE	-	۰/۴۹۰۷۸۱	۱/۷۹۰۴۶	۰/۰۷۴
MTB	-	-۰/۰۳۰۳۵۹	-۰/۴۴۳۶۱۲	۰/۶۵۷۵
LEV	-	۶/۲۸۳۱۳۲	۲/۳۵۰۳۰۸	۰/۰۱۹۲
مقدار ثابت	±	-۸/۴۴۲۴۶۱	-۲/۰۲۱۱۰۴	۰/۰۴۳۸
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۰۲۳۲۲۵	دوربین واتسون	۲/۰۸۲۲۸۲
آماره F		۲/۲۶۲۸۰۹	سطح معناداری F	۰/۰۱۷۴۰۴

اما سایر نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین دو متغیر کنترلی اندازه و درجه اهرم مالی شرکت با بازده غیرعادی سهام است که به ترتیب در سطوح خطای ۱۰ درصد و ۵ درصد معنادار هستند. وجود رابطه معنادار بین ارزش بازار سهام شرکت و بازده غیرعادی آتی سهام توسط بهرامفر و شمس عالم (۱۳۸۳) نیز تایید شده است. ضریب تعیین تعدیل شده برای این الگو برابر با ۰/۰۲۳۲۲۵ است و گویای این است که تنها ۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود و حدود ۹۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحت تاثیر متغیرهای دیگری است. آماره F محاسبه شده برای این الگو ۲/۲۶۲۸۰۹ است و سطح معناداری F برابر ۰/۰۱۷۴۰۴ است که نشان می‌دهد الگوی برآورد شده در سطح خطای ۵٪ معنادار می‌باشد. همچنین مقدار آماره

دوربین واتسون برابر ۲/۰۸۲۲۸۲ است، از آنجا که مقدار این آماره برای الگو تقریباً برابر با ۲ است؛ لذا در سطح اطمینان بالایی می توان تایید نمود که الگو دچار خودهمبستگی نمی باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین میزان محافظه کاری شرطی اعمال شده و احتمال کاهش سود (تایید فرضیه اول) است؛ لذا انتظار داریم که شرکت‌هایی که محافظه کاری شرطی بیشتری اعمال می کنند، احتمال کاهش سود آینده آنها کمتر است؛ زیرا بیشتر اخبار بد را در دوره جاری شناسایی نموده و در نتیجه احتمال انتشار ناگهانی اخبار بد در مورد آنها کمتر است. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که بین واکنش بازار به اخبار خوب و بد در مورد سود شرکت‌های با محافظه کاری شرطی اعمال شده توسط آنها رابطه خطی معناداری وجود ندارد. نتایج این تحقیق با نتایج به دست آمده توسط کیم و یزنر (۲۰۱۰) مطابقت دارد. سایر نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین متغیرهای کنترلی اندازه و درجه اهرم مالی شرکت با بازده غیرعادی آن است. این رابطه توسط بهرامفر و شمس عالم (۱۳۸۳) نیز تایید شده است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه های این تحقیق، پیشنهادهای زیر را می توان ارائه نمود:

- ۱- به تدوین کنندگان مبانی نظری گزارش گری مالی و استانداردهای حسابداری ملی توصیه می شود که با توجه به نتایج تحقیق، در صورت امکان تدابیری برای حفظ سطح فعلی اعمال محافظه کاری شرطی در صورت‌های مالی بیانند.
- ۲- به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می گردد تا شرکت‌ها را الزام نماید که سطح اعمال محافظه کاری شرطی را حفظ نمایند. زیرا حذف کامل اعمال محافظه کاری شرطی ممکن است زیان بار باشد.
- ۳- به سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل توصیه می شود جهت تصمیمات سرمایه گذاری خود به میزان اعمال محافظه کاری شرطی در صورت‌های مالی شرکت‌ها نیز توجه نمایند.

انجام این تحقیق با محدودیت‌هایی روبرو بوده است که در تعمیم نتایج باید به آنها توجه شود. در این پژوهش برای محاسبهٔ محافظه‌کاری شرطی از معیار اقلام تعهدی غیرعملیاتی و همچنین از کاهش سود خالص به‌عنوان نماینده اخبار منفی استفاده شده است؛ ممکن است با استفاده از سایر روش‌های محاسبه محافظه‌کاری شرطی و یا سایر نماینده‌های اخبار منفی آینده، نتایج متفاوتی حاصل گردد.

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان توصیه‌هایی به شرح زیر برای تحقیقات آینده ارائه نمود.

- ۱) آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از سایر معیارهای اندازه‌گیری محافظه‌کاری شرطی.
- ۲) بررسی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از سایر نماینده‌های اخبار منفی آینده.
- ۳) بررسی رابطهٔ بین محافظه‌کاری غیرشرطی و احتمال کاهش سود آینده.
- ۴) بررسی وجود یا عدم وجود رابطه غیرخطی بین بازده غیرعادی و محافظه‌کاری شرطی.

یادداشتها

- 1 - Basu
- 2 - Dimitropoulos and Asteriou
- 3 - Iatridis
- 4 - Chan
- 5 - Feltham and Ohelson
- 6 - Beaver and Ryan
- 7 - Bllis
- 8 - Lara
- 9 - Lefond and Watts
- 10 - Kim and Pevzner
- 11 - Cano-Rudriguez
- 12 - Chan, Lin and Strong
- 13 - Kousenidis, Ladas and Negakis
- 14 - Lara, Osma and Penalva
- 15 - Cut off

منابع و مآخذ

- بهرامفر، نقی و حسام شمس‌عالم (۱۳۸۳) بررسی تأثیر متغیرهای حسابداری بر بازده غیرعادی آتی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *بررسیهای حسابداری و حسابرسی*، ش ۳۷، ص. ۳۷-۵۰.
- پورحیدری، امید و مهدی کوپایی حاجی (۱۳۸۹)، پیش‌بینی بحران مالی شرکتها با استفاده از الگو مبتنی بر تابع تفکیک خطی، *پژوهشهای حسابداری مالی*، ش ۳، ص. ۳۳-۴۶.
- حساس یگانه، یحیی و علیرضا شهریاری (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران، *پژوهشهای حسابداری مالی*، ش ۴، ص. ۷۷-۹۴.
- رحمانی، علی، حمیده اثنی‌عشری، و اعظم ولی‌زاده لاریجانی (۱۳۹۰)، محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی اقلام صورت‌های مالی، *بررسیهای حسابداری و حسابرسی*، ش ۶۴، ص. ۵۷-۷۲.
- سدیدی، مهدی، علی ثقفی، و شاهین احمدی (۱۳۹۰)، محافظه‌کاری حسابداری و تأثیر کیفیت سود بر بازده داراییها و بازده سهام، *دانش حسابداری*، سال دوم، ش ۶، ص. ۱۲۹.
- کردستانی، غلامرضا، حبیب امیر بیگی لنگرودی، (۱۳۸۷)، محافظه‌کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری، *بررسیهای حسابداری و حسابرسی*، سال پانزدهم، ش ۵۲، ص. ۸۹-۱۰۶.
- مهرانی، ساسان؛ محمد مرادی و هدی اسکندر (۱۳۸۹)، رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه‌کارانه، *پژوهشهای حسابداری مالی*، ش ۳، ص ۴۷-۶۲.
- هاشمی، عباس؛ شکوفه فرهمند، و ناصر شامیرزائی جشقانی (۱۳۹۰)، تأثیر محافظه‌کاری شرطی بر هزینه سرمایه سهام عادی، *دانش حسابداری*، ش ۷، ص. ۴۷-۶۷.
- Basu, S., (1997), The conservatism principal and the asymmetric timeliness of earnings, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24, No. 1, pp. 3-37.
- Beaver, W. and Ryan, S., (2005), Conditional and unconditional conservatism: concepts and modeling, *Review of Accounting Studies*, Vol. 10, pp 269-309.
- Chan, A.L-C. , Lin, S.W.J. and Strong, N., (2009), Accounting conservatism and the cost of equity capital: UK evidence, *Managerial Finance*, Vol. 4, pp. 325-345.
- Dimitropoulos, P.E. and Asteriou, D., (2009), Timeliness conservatism and financial transparent firms under the Greek accounting setting, *Review of Account and Finance*, Vol. 7, No. 3, pp 252-269.

- Givoly, D. and Hayn, C., (2000), The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 29 pp 287-320.
- Iatridis, G.E., (2011), Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism, *International Review of financial Analysis*, Vol. 20, pp 88-102.
- Kim, B.H. and Pevzner, M., (2010), Conditional accounting conservatism and future negative surprises: An empirical investigation, *Journal of Accounting Public Policy*, Vol. 29, pp. 311-329.
- Kousenidis, D.V, Ladas, A.C. and Negakis, C.L., (2009), Value relevance of conservative and non-conservative accounting information, *The International Journal of Accounting*, Vol. 44 pp. 219-238.
- La Fond, R. and Watts, R., (2008), The informational role of conservatism, *The Accounting Review*, Vol. 83, pp 443-478.
- Lara, J.M.G. , Osma, B.G. and Penalva, F., (2011), Conditional conservatism and cost of capital, *Review Accounting Studies*, Vol. 16, pp. 247-271.

